

هدفمندی ساختمان فعل در منظومه عرفانی گلشن راز

وحید مبارک^۱

سحر یوسفی^۲

چکیده

садگی و روانی، برجسته‌ترین ویژگی روح بلند آثار عرفانی در زبان فارسی است. هر فعل، مهم‌ترین رکن جمله و پایه آن است که ساختمانی ساده یا غیرساده دارد. بررسی ساختمان فعل در یک اثر، می‌تواند گویای نحوه انتقال مفاهیم آفریننده اثر و حتی دغدغه‌های وی برای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبانش باشد. شبستری در مثنوی گلشن راز، با آمیختن اندیشه‌های عرفانی و فلسفی خود مباحثی نظری وحدت وجود را مطرح می‌سازد. وی، مبنای کلامش را برای بیان مفاهیم ذهنی و مقصود خود، بر ساختمان فعل‌های ساده به ویژه فعل‌های اسنادی قرار می‌دهد و تا آنجا که بتواند برای سهولت در ارتباطی مؤثر با مخاطب، به این ساختار فعلی پایند است، اما آنجا که مفاهیم پیچیده‌تری را بیان می‌کند، از فعل ساده روی می‌گرداند و از ساختمان فعل پیشوندی یا مرکب بهره می‌گیرد. وی گرایش خود را به عربی‌دانی در پایه فعل‌های مرکب نشان می‌دهد و از افعال پیشوندی برای تحرک بخشیدن و پویایی کلامش استفاده می‌کند. بنابراین در سراسر گلشن راز میان نفسِ عمل فعل با ساختمان آن، رابطه‌ای منطقی برقرار است که آن را از حوزه عرفان نظری به عرفان عملی هم نزدیک می‌سازد.

وازگان کلیدی: هدفمندی، ساختمان فعل، عرفان و گلشن راز.

۱- عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه (استادیار)

Vahid-mobarak@yahoo.com

۲- دانشآموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی کرمانشاه

sahar.yosefi69@gmail.com

تاریخ پذیرش

95/2/21

تاریخ دریافت

94/11/30

مقدمه

گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری تبریزی از عارفان مشهور قرن هشتم و از شاعران پارسی‌گوی آن عهد است. وی از مریدان و شاگردان بهاءالدین یعقوب تبریزی است، ازاین‌روی می‌توان او را از عارفان حوزه عرفان عملی هم به شمار آورد. گلشن راز، مشهورترین اثر شبستری است که در حقیقت نخستین اثر منظوم اöst. شبستری این منظومه را به سال 717 هق در بحر هزج و 993 بیت سرود. او در ضمن این اثر، هفده سؤال امیرحسین هروی را پاسخ داده است.

پژوهشگران، برای زبان فارسی سه دوره را مطرح می‌کنند. دوره نخست را دوره «رشد و تکوین» می‌خوانند: «این دوره از قدیمی‌ترین آثار به جامانده فارسی تا اوایل قرن هفتم هجری است. از دوره دوم با عنوان «فارسی دری» یاد می‌شود که همراه با یورش مغولان در ربع اول قرن هفتم هجری است و تا پایان دوره ایلخانی را در بر می‌گیرد. دوره سوم «دوره تحول اخیر» است که از انراض خاندان صفویه تا استقرار حکومت آقامحمدخان را شامل می‌شود» (نائل خانلری، 1372: 11). این اثر از حیث دوره تاریخی، در دسته دوم قرار می‌گیرد. هرچند اثر دوره نخست نیز ویژگی‌های شهودی دارد که در جای خود بدان اشاره می‌شود.

این نوشتار در پی آن است که کارکرد فعل و انواع آن را از حیث ساختمان و پیوندهای آن با محتوا در گلشن راز به عنوان اثری عرفانی بررسی کند. برای بررسی به بسامد افعال از حیث ساختمان کلمه و رابطه موضوع و محتوا با کاربرد افعال توجه شده است. این پژوهش در پی پاسخ به چرا بی و کجا بی انواع فعل در منظومه گلشن راز است که قابل تقسیم به پرسش‌های جزئی‌تری است و در این بررسی پی‌پاسخ بدان هستیم. این پرسش‌ها عبارتند از:

- 1- بسامد افعال ساده، مرکب و پیشوندی (با تکرار و بدون تکرار) در این اثر به چه ترتیب است؟
- 2- آیا سیر جایگزینی فعل مرکب به جای فعل بسیط و پیشوندی در این اثر هم دیده می‌شود؟

162 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

3- شاعر کجا و چرا از فعل ساده روی گردان می‌شود و به فعل مرکب یا پیشوندی روی می- آورد؟

4- آیا این اثر از دیدگاه نوع فعل تنها در حوزه عرفان نظری است؟

تاکنون پیرامون مثنوی عرفانی گلشن راز پژوهش‌های انجام گرفته است از جمله: مهدیه‌السدات مستقیمی (1386) در مقاله «تحلیل مسألة معنا در گلشن راز شبستری» برپایه علم معناشناسی به رابطه الفاظ و معنا در کلام شبستری پرداخته است. محمود فضیلت (1387) در «مراتب هستی در گلشن راز شبستری» نظریه وحدت وجود را به شیوه مقایسه‌ای با سرودهای عرفانی دیگر بررسی کرده است. تورج عقدایی (1389) در «جمال-شناسی گلشن راز» به پیوند دیرینه عرفان با زیبایی‌شناسی عناصر خیال‌انگیز کلام پرداخته است؛ اما تاکنون در پژوهشی به بررسی ساختمان فعل‌ها در گلشن راز و چگونگی پیوند گونه‌افعال با محتوای این اثر عرفانی پرداخته نشده است.

ساختمان فعل در گلشن راز:

مبحث فعل از حیث ساختمان، یکی از بحث‌های دشوار و اختلاف‌انگیز زبان فارسی است: «گروهی از دستوریان و زبان‌شناسان بر این باورند که فعل مرکب در زبان فارسی وجود ندارد. گروهی دیگر وجود آن را بدیهی دانسته و در مورد گونه‌های آن و شیوه‌های تشخیص آن بحث می‌کنند. بحث‌هایی نیز در مورد اینکه استفاده از کدامیک از گونه‌های فعلی نیز بهتر است، صورت می‌گیرد. هر یک از این صاحب نظران دلایل خاص خود را ارائه می‌دهند» (دادفر، 1391: 79).

1. فعل‌های ساده:

از آن جا که تفاوت آرا در حوزه ساختمان فعل گسترد़ه است؛ در این بررسی، اساس تعاریف را بر مبنای تعاریف خانلری قرار می‌دهیم. خانلری در تعریف فعل ساده می‌گوید: «بعضی از فعل‌های زبان فارسی تنها از یک ماده ساخته شده است؛ یعنی دارای اجزای جداگانه نیست که بتوان آن‌ها را به جای دیگری به کار برد نظیر آمدن، بستن و افروختن» (ناتل خانلری، 1377: 176).

بدون در نظر گرفتن تکرار فعل‌ها، از 510 فعل، 338 (67%) ساختمانی ساده دارد و از مجموع 1674 فعل که در گلشن راز آمده است، با در نظر گرفتن تکرار فعل‌ها

فعل (88%)، فعل ساده است. با وجود آنکه گلشن راز اثری عرفانی است، بنایه‌های تعلیمی-آموزشی نیز دارد؛ از این روی می‌توان آن را از منظر ادبیات تعلیمی هم نگریست. چه این اثر را از جنبه‌عرفانی آن بنگریم، چه از منظر تعلیمی آن، هدف این اثر زبانی ساده را می‌طلبد. روح زبان ساده، فعلی را با ساختمان ساده اقتضا می‌کند. از طرف دیگر چون زبان عارفان به زبان توده مردم و عوام نزدیک بوده، به تبع ساده هم بوده است؛ زیرا مخاطبان آن از یک سو عامه مردم هستند و از سوی دیگر خواص.

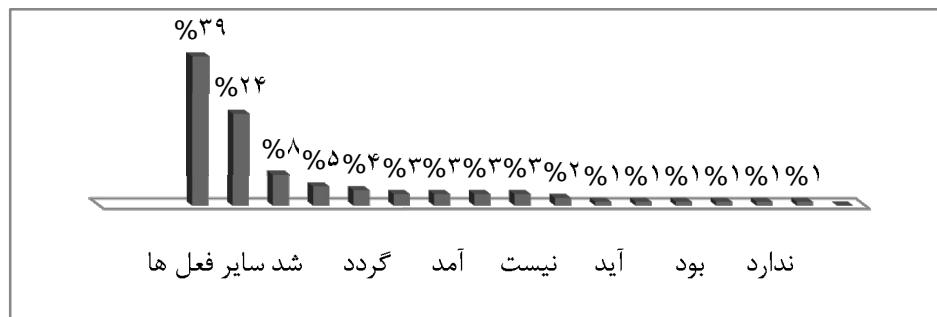
محققان در برخی از موارد فعل ساده را بر گونه‌های دیگر ترجیح می‌دهند و دلایلی برای آن مطرح می‌کنند: «به نظر می‌رسد کاربرد گونه ساده افعال موجب برجسته‌سازی زبان شده و در نهایت به آشنایی‌زدایی منجر می‌شود. بر این اساس، کارکرد این گونه فعل، ساختار آنها و معنایشان با هم متفاوت است» (دادفر، 1391: 79). طباطبایی می‌گوید: «غالب مفاهیمی که در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسه با فعل بسیط بیان می‌شود، در فارسی با فعل مرکب بیان می‌شود» (طباطبایی، 1376: 20)؛ مشکوه‌الدینی پیرامون کارکرد انواع ساختمان فعل معتقد است که «فعال‌های مرکب بیشتر در گونه گفتاری به کار می‌روند؛ در حالی که برخی از فعل‌های ساده بیشتر کاربرد نوشتاری یا سبکی دارند مثلاً واژه گریستن و جهیدن و جز این‌ها بیشتر در شعر و نثر ادبی به کار می‌رود» (مشکوه‌الدینی، 1391: 135) و در منظومه گلشن راز غلبه با فعل ساده است؛ زیرا «در مرکز اندیشه شبستری، معانی عرفانی قرار دارد و دایره صورت این منظومه هر چند هم گسترش یابد؛ تابع این مرکز باقی می‌ماند به سخن دیگر این منظومه معنا محور است و بر صورت در همه جا غلبه دارد» (عقدایی، 1389: 110).

شرایط مؤثر اجتماعی-روانی مردم برای گسترش عرفان در سطح جامعه موجب شد عرفان که ابتدا جنبه عملی داشت، رفتارهای نظری شود؛ اما هیچ گاه خصیصه روانی و سادگی‌اش را از دست نداد. بنابراین بسامد فعل‌های ساده در این اثر بسیار چشمگیر است و این امر، از یک سو هم با جنبه عرفانی بودن اثر سازگار است و هم با جنبه تعلیمی بودن اش. تنوع فعل‌های گلشن راز خود می‌تواند گواهی قدرت زیایی زبان در این منظومه نه چندان بلند باشد. از آنجا که بررسی تک تک فعل‌ها با توجه به بسامد و تنوع آنها در تعداد صفحاتی محدود نمی‌گنجد، در تحلیل نمونه‌ها به پرسامدترین فعل‌ها بسته می‌کنیم. پرسامدترین فعل‌های ساده عبارتند از: است، شد، شود، گردد، آمد، نیست، گشت، بود،

164 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

گشته و ... که در مجموع روی هم رفته ۵۴٪ را فعل‌های استنادی به خود اختصاص می‌دهند و در نمودار فراوانی نمایان شده است.

پربسامدترین فعل‌های ساده



در ابیات آغازین کتاب برخلاف سایر بخش‌ها بسامد و تعداد فعل‌های ساده چندان چشمگیر است؛ زیرا سخن سراینده با توجه به محتوا و موضوع (توحیدیه) و اثبات قدرت سراینده‌اش، ساختمان پیچیده‌تری را برگزیده است که برای القای مفاهیم خود اقتضا می‌کند؛ اما رفته‌رفته شمار فعل‌های ساده رو به فزونی است.

در مورد بهره از فعل‌های ساده، دلایل متعددی آورده می‌شود و اصلی‌ترین دلیل را «حفظ و کاربرد این افعال برای گرفتن اشتقاق‌های گوناگون از جزء فعلی این افعال به منظور ساخت واژگان تازه مورد نیاز و در نتیجه زایایی زبان می‌دانند» (دادفر، ۱۳۹۱: ۸۸) محدودیت فعل‌های مرکب با تعداد محدودی همکرد، می‌تواند از دلایل بر جسته دیگری باشد. (ر.ک: همان: ۸۹) این موضوع، بیانگر آن است که فعل مرکب در ساخت و انتقال معانی محدود است و از سوی دیگر، فعل ساده موجب انتقال راحت معنا می‌شود. شبستری بعد از مقدمه توحیدی‌اش، وارد آموزش مفاهیم عرفانی می‌شود؛ می‌گذارد؛ برای نمونه در شرح مقام جمع از رویکردی تشبيه‌ی با زبانی ساده و فعلی ساده استفاده می‌کند:

مقام دلگشايش جمع جمع است
 جمال جان‌فزايش جمع جمع است
(شبستری، ۱۳۸۲: ۹)

این رویکرد آموزشی تنها به مقدمه ختم نمی‌شود. فعل «است»، در سبب نظم کتاب و در جای جای این اثر، رخ می‌نمایاند و برای شرح، بسط و گزارش مطلب استفاده می‌شود.

کثرت کاربرد این فعل، حاکی از خبری بودن جمله‌هاست که همسوی کاربرد افعال متناسب با موضوع است.

نخست از فکرت خویشم در تحریر
چه چیز است آنکه گویندش تفکر
(همان: 17)

کاربرد فعل «است» تنها برای شرح و بسط مفاهیم به کار نمی‌رود و همیشه جنبه خبری و توضیحی ندارد. گاه رنگ استفهام به خود می‌گیرد و همراه صفات و ضمایر پرسشی به خصوص در سؤال‌هایی که از جانب هروی مطرح می‌شود، حضور می‌یابد. در نمونه‌ای از کاربردهای استفهام تقریری این فعل، کاربرد خبری آن را نیز مشاهده می‌کنیم:

دویی ثابت شد آنکه این محل است؟
چه جای انفصل و اتصال است؟

(همان: 13)

نمونه‌ای دیگر از کارکرد استفهامی فعل، در سؤال هروی و جواب شبستری با همین فعل است:

کدامین فکر ما را شرط راه است?
چرا گه طاعت و گاهی گناه است?
در آلا فکر کردن شرط راه است.
ولی در ذات حق، محض گناه است.
(همان: 20-21)

کاربرد استفهامی که از فعل «است» در گلشن راز می‌بینیم، از سوی خود شبستری هم وجود دارد:

کدام است آن جهان کاین نیست پیدا
که یک روزش بود یکسال اینجا
(همان: 25)

از سوی دیگر استفهام تنها برای استفهام و جواب آن نیست بلکه گاه مفید معنای تقریر است:

در آن موقع که نور حق دلیل است
چه جای گفتگوی جبرئیل است?
(همان: 21)

پیرامون موانع درون‌زبانی زایایی افعال دلایلی مطرح است که عبارتند از: «1-در زبان فارسی فقط فعل‌های ساده یا بسیط هستند که زایایی دارند، یعنی می‌توان از آن‌ها مشتق بدست آورد. 2-در زبان فارسی امروز، دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود، یعنی نمی‌توان به طور عادی از اسم یا صفت فعل ساخت. 3-شمار فعل‌های ساده‌ای که از گذشته به ما رسیده‌اند،

166 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

بسیار اندک است. ۴-از این شمار اندک نیز فعل‌های ساده بسیاری در حال از بین رفتن و متروک شدن هستند و جای خود را به فعل مرکب می‌دهند. ۵-از مصدرهای جعلی فارسی، چه آن‌هایی که از اسم فارسی ساخته شده‌اند، مشتق بدست نمی‌آید» (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۳۲). از سوی دیگر شبستری سعی دارد مفاهیم دشوار را با ساده‌ترین زبان ممکن بیان کند؛ با این حال از زیبایی کلام و در عین حال قابل فهم بودنش غافل نیست.

بدیده دیده‌یی را دیده دیده است
تو چشم عکسی و او نور دیده است
(شبستری، ۱۳۸۲: ۲۳)

در این بر نمونه علاوه بر نغمه حروف که به موسیقی کلام نیز جلوه می‌بخشد، آوردن ساختمانی ساده در فعل آن را تا سه بار تکرار می‌کند:

خرباتی شدن از خود رهایی است
خودی کفر است اگر خود پارسایی است
(همان: ۸۵)

پس از «است» پر بسامدترین فعل «شد» است که گاه در معنای رفتن نیز به کار رفته است:

علوم دین همه بر آسمان شد
ببین اکنون که کور و کر شبان شد
(همان: ۹۲)

شبستری گاه این فعل با لحن انذار و هشدار به کار می‌برد:

شده‌بلیست امام و در پسی تو
بدو لیکن بدین‌ها کی رسی تو
(همان: ۹۰)

این جاست که مزایایی برای فعل ساده می‌شمارند، به روشی دیده می‌شود؛ زیرا این فعل‌ها مفاهیم را راحت‌تر انتقال می‌دهد، فضای عاطفی سنگینی را ایجاد نمی‌کند و از طرف دیگر سنخیت فعل با ساختمان آن نیز به کمک رابطه لفظ و محتوا می‌آید. نمونه‌هایی دیگر از سایر فعل‌های ساده پر بسامد:

وجود هر یک چون بود واحد
به وحدانیت حق گشت شاهد
(همان: ۷۴)

و یا در نمونه‌ای دیگر همراهی فعل‌های ساده پر بسامد را کنار هم می‌بینیم:

بود پا و سر و چشم تو چون دل
شود صافی ز ظلمت صورت گل
(همان: ۷۲)

استخدام فعل برای نشان دادن رویکرد تشبيه‌ی، با فعلی پویا و تکرار آن در ابیاتی نظیر این بیت مشهود است:

دماغت آشفته و جان تیره گردد
حواست همچو انجم خیره گردد
(همان: 72)

نمونه‌ای دیگر، نشانگر ارتباط تنگاتنگ، دقیق در انتخاب و گزینش افعال است که کاربرد فعل‌های ساده پرسامد را در کنار هم نشان می‌دهد:

پی هر مستی‌ای باشد خماری
در این اندیشه دل خون گشت باری
(همان: 73)

شبستری مسائل پیرامون شناخت هستی را با استدلالی همه‌فهم، واژگانی ساده و فعلی ساده برگزار می‌کند. بسامدها نشان می‌دهند محور اصلی در این اثر، فعل‌هایی با ساختمانی ساده است که عرصه را بر فعل مرکب تنگ می‌سازد. در این بین، دو فعل «همی‌گردد» و «همی‌ارزد» را، از جمله ویژگی‌های فعل‌های دوره رشد و تکوین است، در این اثر می‌بینیم که برای بیان استمرار در فعل آمده است:

لغت با اشتقاق و نحو با صرف
همی‌گردد همه پیرامن حرف
(همان: 62)

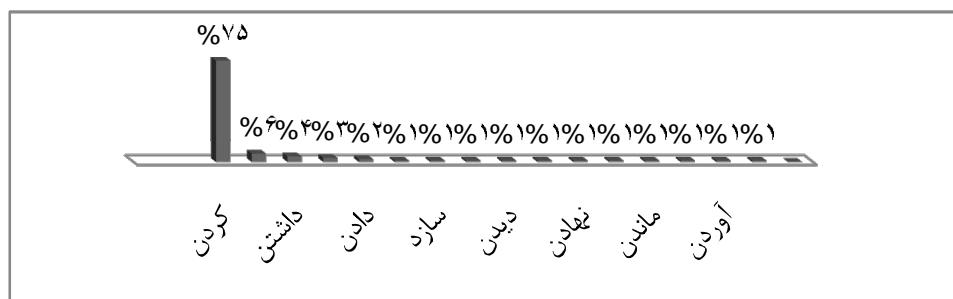
2. ساختمان افعال مرکب:

دکتر خانلری در تعریف فعل مرکب می‌گوید: «دسته‌ای دیگر از فعل‌های فارسی از ترکیب یک اسم یا صفت با یک فعل پدید آمده‌اند؛ اما از مجموع کلمات تنها یک معنی بر می‌آید مانند: شتات + کردن = شتافتن» (نائل خانلری، 1377: 177) در منظومه گلشن راز از 510 فعل، 102 (%) فعل بدون درنظر داشتن تکرار فعل‌ها دارای ساختمانی مرکب است و با درنظر داشتن تکرار آن‌ها، از 1674 فعل 115 (7%) را افعال مرکب دربرمی‌گیرد.

2.1. کارکرد پایه‌ها و همکردهای فعل‌های مرکب

همکردهای متفاوتی در ساختمان فعل‌های مرکب گلشن راز می‌بینیم که در نمودار فراوانی ارائه شده است.

پایه‌های فعل مركب



در این میان، حدود 75٪ از مجموعه افعال مركب را فعل «کردن» تشکیل می‌دهد و پس از آن به ترتیب «یافتن» با 6٪ و «داشتن» با 5٪ به ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار می‌گیرند؛ در این بین «از میان افعال بسيطی که در ساختمان فعل مركب به کار می‌روند فعل «کردن» بیشترین بسامد را دارد پژوهشی که در این زمینه صورت گرفته است، نشان می‌دهد که از میان 3000 فعل مركب 1056 فعل با کردن ساخته شده است» (طباطبایی 20:1381).

مشکوهدالینی، عنصر فعلی را در فعل مركب واژگانی می‌داند که «از معنی اصلی یا واژگانی خود خارج شده و در بیشتر موارد به یک معنی دستوری؛ یعنی بیان و به وقوع پیوستن عمل به کار می‌رود» (مشکوهدالینی، 1391:135). همکردهای فعل فارسی را از نظر تأثیری که در ایجاد تحول معنایی در فعل مركب دارند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست همکردهای بی‌تأثیر در معنای فعل مركب و دیگر همکردهای مؤثر در معنای فعل مركب. (ر.ک: خوئینی، 52: 1389) در این میان می‌توان فعل‌های مركب گلشن را از این منظر بررسی کرد:

همکردهای مؤثر در معنای فعل مركب: آتش‌زدن، آهنگ‌داشتن، پدیدآوردن، جای‌گرفتن، جان‌یافتن، حاجت‌افتادن، ختم آمدن، خلاص‌دیدن، راهبردن، سرگشتن، یاددادن و... همکردهای بی‌تأثیر در معنای فعل مركب: اقرار‌کردن، اشارت‌کردن، اندیشه‌کردن، اثبات‌کردن، بیان‌کردن، حکم‌کردن، رعایت‌کردن، سفر کردن و...

نکته قابل توجه در زمینه کارکرد فعل‌های مرکب می‌بینیم که شبستری گرایش خود را به عربی‌دانی نشان می‌دهد و اغلب پایه‌های این‌گونه از افعال را واژگان عربی می‌آورد. اگر بخواهیم در این زمینه، دسته‌بندی ارائه دهیم، به این صورت است:

(الف) پایه‌های عربی در فعل مرکب: اقرار، اشارت، ثابت، تصنیف، تفرج، تحصیل، تفکر، تأمل، تجلی، تسویت، تفسیر، تعبیر، تشییه، تعریف، حاجت، حکم، حراست، حاصل، حل، ختم، خبر، خلاف، خلاص، رعایت، سفر، سوال، طب، عیان، عبارت، فهم، فراغت، قصد، گذر، گذار، نثار، نظر... این دسته 67٪ از پایه‌های فعلی در ساختمان فعل‌های مرکب را شامل می‌شوند که می‌تواند نشانگر گرایش شبستری به زبان عربی دانست، با وجودی که وی اغلب گرایش به ساده برگزار کردن اندیشه‌اش دارد.

(ب) پایه‌های فارسی در فعل مرکب: آغاز، آتش، آهنگ، انجام، اندیشه، تاب، پدید، پای، جنبش، جاروب، جدا، جای، راه، دوان، سر، شام، شب، ناله، ناسپاس... این دسته از پایه‌های فعلی تنها 23٪ از مجموعه پایه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. اینجاست که غلبه، با زبان عربی است و گرایش شبستری به زبان عربی نمود می‌باید برای و نشان دادن عربی‌دانی اش به کاربرد فعل‌های مرکب با همکردهای عربی تمایل بیشتری نشان می‌دهد که با گرایش و تحصیلات او همسانی دارد؛ این درحالی است که در تمایل خود به فعل‌های ساده، اغلب از فعل‌های اسنادی بهره می‌گیرد.

2.2. تناسب محتوای گلشن راز با ساختمان فعل مرکب:

بحث تناسب محتوا و نفس عملی فعل در ساختمان فعل‌های مرکب نیز مطرح می‌شود. همان‌طور که در جای اثر می‌بینیم، هیچ گاه تصاویر بر اندیشه غلبه ندارند؛ زیرا صورت در خدمت بیان محتوای اثر می‌آید و ارتباط تنگاتنگ و متناسبی میان واژگان و موضوع برقرار است. از سوی دیگر عرفان اثر، هر چند در حوزه عرفان نظری جای دارد؛ اما از آنجا که بن-مایه تعلیمی نیز دارد و بین نفس عمل و انتخاب ساختمان و گونه فعل، هماهنگی و تناسب لازم وجود دارد، خواه این هماهنگی آگاهانه خواه ناآگاهانه باشد، اثر را به عرفان عمای نزدیک می‌کند؛ چنان که در بررسی نمونه‌ها این امر آشکار می‌شود؛ اما در حوزه کارکرد زبان شبستری تنها در این ساختمان فعلی است که زبان عربی غلبه و برتری خود را نشان می‌دهد.

170 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

از آنجا که بیشتر اصطلاحات عرفانی نظیر: کشف، وصال، توبه، مجدوب، وحدت، عابد و... برگرفته از زبان عربی‌اند؛ شبستری هر چقدر که به زبان فارسی و ساختاری ساده پایبند باشد؛ با استفاده از مفاهیمی که خود از زبان دیگری به زبان فارسی وارد شده‌اند؛ ناگزیر می‌شود که به عربی هم گرایش نشان دهد؛ پس بهناچار گرایش خود را به عربی‌دانی در افعالی که با پایه‌های عربی در فعل مرکب ساخته می‌شوند، نشان می‌دهد. ذکر این نکته ضروری است که شبستری اساس کار خود را بر فعل ساده نهاده است؛ اما در گونه فعل مرکب که بخش اعظم گرایش سراینده را به زبان عربی نشان می‌دهد؛ می‌بینیم باز هم ضرورت محتوا و موضوع است که کلام را به دشواری کشانده است.

به هرروی، منظومه‌گلشن راز برای تأثیرگذاری بر مخاطب ناچار است که از دو امر ناساز منطق و شعر در کنار هم بهره بگیرد و این امر موجب می‌شود که صورت در نظر وی، جز ابزار نارسان معنی است، بر جستگی پیدا کند؛ اما در نهایت مقصود سراینده، القای معناهایی است که وی از آن‌ها برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها بهره می‌گیرد. (ر.ک: عقدایی، 1389: 208)

گیوی در کتاب دستور تاریخی فعل پیرامون کارکرد فعل مرکب می‌گوید: «فعل مرکب از دید ساختار، رایج‌ترین و پر بسامدترین نوع فعل است، از دیرباز در کاربرد فعل فارسی، نوعی ساده‌گریزی در ترکیب‌گرایی پا گرفته است و امروز بسیاری از فعل‌های ساده کهن جای خود را به فعل مرکب داده‌اند. از این‌رو فعل مرکب در زبان فارسی از امتیاز و پایگاه ویژه‌ای برخوردار است» (احمدی‌گیوی، 1380: 869)؛ اما زبان در مورد گلشن راز به خاطر روح بلند عرفانی‌اش با سادگی می‌آمیزد و غلبه فعل ساده بر مرکب مشهود است. هنگامی سراینده، قدم به عرصه فعل مرکب می‌گذارد که نفس دشواری عمل فعل با ساختمان پیچیده‌تری اتفاقاً می‌شود. این امر گاهی در کنار قابلیت‌هایی نظیر ایجاد قافیه و ردیف با پایه و همکردهای این دسته از افعال و حتی ضروت‌های وزنی هم دیده می‌شود:

حديث ما سوی ا... را رها کن

(شبستری، 1382: 74)

نظر چون در جهان عقل کردند

(همان: 76)

کلمات عربی به خاطر خاصیتی که در شکل و ساختار آن‌ها وجود دارد، به راحتی می‌توانند به عنوان قافیه قرار بگیرند و موسیقی کلام را هم مؤثر می‌سازند. شاید این ویژگی موجب

می‌شود که شبستری اگر از این خاصیت برای قافیه و ردیفسازی استفاده نکند، به گونه‌ای دیگر این ویژگی را به کار ببرد:

لوازم را یکايك کن رعایت
نظر کن در معانی سوی غایت

(همان: 77)

که در این نمونه نیز دو فعل مرکب را می‌بینیم که پایه و همکرد نخستین فعل کنار هم در آغاز کلام می‌آید؛ اما در نمونه دوم، همکرد بر پایه مقدم می‌شود تا پایه (رعایت) بتواند با غایت هم‌قافیه قرار بگیرد، با این حال معمولاً کارکرد پیشین در قافیه و ردیفسازی کاربرد بیشتری دارد نظیر این نمونه:

به وجه خاص از آن تشبیه می‌کن
زدیگر وجه ها تنزیه می‌کن

(همان: 77)

در نمونه زیر در فعل «نشانی داده‌اند» که ساختار گونه مرکب واجب و ضروری به نظر می‌آید:

از او هرچه بگفتند از کم و بیش
نشانی داده‌اند از دیده خویش

(همان: 20)

چراکه معادل معنایی دیگری نمی‌توان برای آن به کار برد که از یک سو شکل ساده‌ای داشته باشد و از سوی دیگر مشکل به هم ریختگی وزن را هم نداشته باشد؛ بنابراین شبستری با وجود آن که همچنان به زبان فارسی پایبند است، اما این پایبندی دیری نمی‌پاید و جای خود را به واژگان عربی می‌دهد:

به عفت شهوت خود کرده مستور
شهره همچون خمود از وی شده دور

(همان: 64)

در این نمونه که فعل «مستورکردن» معادل فعل مرکب فارسی «پنهان کردن» است، با وجود آنکه تفاوتی را از لحاظ هجاهای وزنی ایجاد نمی‌کند، فعلی را با پایه واژه‌ای عربی ترجیح می‌دهد؛ زیرا مستورکردن بار معنایی سنگین‌تری را نسبت به پنهان کردن در خود دارد و این فعل به گونه‌فارسی‌اش به خوبی از عهده انتقال پیام و رساندن موضوع برنمی‌آید؛ سراینده فعل مرکب را انتخاب می‌کند و حضور واژگان عربی عفت، شهوت و مستور این مصraع، در کنار هم قابل توجه است؛ اما پس از آنکه می‌تواند ذهن مخاطب را به چالش

172 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

بیشتری وادر کند، بار دیگر در کنار واژگانی فارسی و ساختمان فعلی ساده در مصراج دوم به روش ساده‌گویی اش روی می‌آورد.

آنچه که در به کار بردن فعل مرکب غالباً معمول است، این است که شبستری هنگامی که فعلی مرکب در بیت می‌آورد، باقی بیت و مصراج های بیتها پیش و پس با آوردن افعال ساده برگزار می‌کند تا به روانی سیر انتقال موضوع و محتوا را به انجام برساند.

کند از نور حق بر خود تجلی
بینی بیجهت حق را تعالی
(همان: 72)

در «تجلی کردن» هم می‌بینیم که شبستری برای پایه فعل مرکب خود به واژه‌ای عربی روی می‌آورد، جدا از ضرورت قافیه در اینجا نکته دیگری که باید ذکر شود، این است که تجلی کردن در فعل نمایاندن نیز کاربرد دارد؛ اما عموماً نمایاندن فعلی است که بار معنای اش برای امور زمینی و عینی مناسب و سازگارتر است، در حالی که کلمه تجلی، بار معنوی بیشتری را در کلام برای ذهن مخاطب القا می‌کند. از این روست که «مسئله معنا در دیدگاه شبستری، مسئله‌ای است که با ترسیم مجموعه‌ای منظم از زیر ساخت‌های هستی-شناسی، معرفت‌شناسی و حتی زبان‌شناسی می‌توان به آن دست یافت. از سوی دیگر لوازم و پیامدهای مسئله معنا در حیطه‌های فراوانی ظهر می‌کنند؛ ولی شبستری بنا به دلایلی در این میان بر دو حوزه تأویل و تفسیر تأکید کرده است. بنابراین نقطه عطف در گلشن راز طرح مسئله معنا بر اساس مبانی مختلف و لوازم آن است» (مستقیمی، 1386: 72).

در زمینه پایه و همکردهای عربی شبستری به گونه‌ای عمل نمی‌کند که یکسره زبان را در خدمت زبان عربی به کار بگیرد؛ بلکه در پاره‌ای از موارد به زبان فارسی روی می‌آورد که این نیز خود می‌تواند دلایلی داشته باشد:

زحل را جدی و دلو و مشتری باز
به قوس و حوت کرد انجام و آغاز
(شبستری، 1382: 31)

دو فعل مرکب در مفهوم متضاد انجام و آغاز که همکرد فعل مرکب دوم به قرینه لفظی حذف می‌کند. هر دو پایه فارسی هستند؛ اما از آنجا که این نمونه‌ها نسبت به پایه‌های عربی در اقلیّت هستند؛ در نگاه نخست آن گونه که باید خود را در بافت کلام برجسته نشان نمی‌دهند.

آنچه در در سراسر کلام شبستری در عرصه‌ی واژگان خود را نشان می‌دهد، وفور کلمات عربی هستند. هر چند این واژگان در ظاهر معنای دشواری ندارند و مخاطب را با دشواری در درک معنا روبرو نمی‌کنند؛ اما شبستری در میان انواع فعل، به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین رکن هر جمله، با پایبندی به ساختمان ساده آن سبب می‌شود که بافت روان و ساده کلام آسیبی نمی‌بیند.

ولی شاهد همان آیات کبری است	شراب و شمع جام و نور اسری است
مگر از دست خود یابی امانی	شراب بی خودی در کش زمانی
(همان: 83)	

این نمونه اخیر نیز خود گویای هماهنگی و پیوند میان فعل، نفس فعل، درک مخاطب و تناسب گونه آن، با ماهیت عمل است؛ چنان که در آغاز شرح مسئله را با فعلی ساده در ساختار اسنادی می‌آورد؛ سپس هنگامی که وارد مرحله‌ای از عمل می‌شود و به نسبت مرحله پیشین کمی دشوارتر است، گونه پیشوندی را بر می‌گزیند. در مرحله نهایی فعل مرکب را برای انتقال مقصود خود و رساندن دشواری ماهیت عمل به کار می‌برد. این تناسب و هماهنگی میان موضوع محتوا و ساختمان افعال در جای گلشن راز مشهود است.

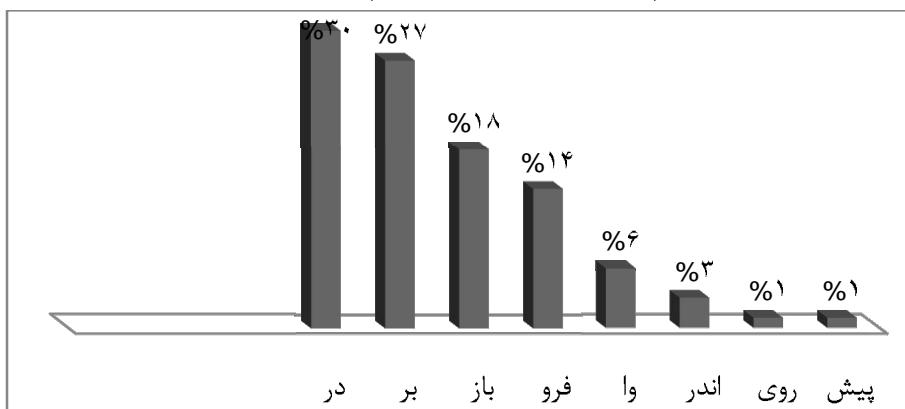
3. فعل‌های پیشوندی

فعل پیشوندی از ترکیب پیشوندها با فعل‌های ساده به وجود می‌آید. خانلری در تعریف فعل پیشوندی می‌گوید «که همیشه پیش از فعل می‌آید و معنی آن از معنی فعلی که تنها شامل مادة اصلی است؛ یعنی ساده است، جداست» (ناتل خانلری، 1377: 176) و اغلب موجب تحول معنایی در فعل می‌شود؛ البته در تمامی موارد این گونه نیست که تغییر معنای فعل حتمی باشد و ممکن است تحول معنایی خاصی را در فعل پیشوندی نداشته باشیم. با این حال «پیشوندهای فارسی دری به تبعیت از فارسی میانه، در اصل حروف اضافه یا مقید بوده‌اند که با پیوستن به افعال، هویت دستوری دیگری پیدا کرده‌اند. در این جایگاه هرچند معنای پیشین در مواردی محفوظ مانده غالباً با تغییرات چشمگیری همراه بوده است» (رضایتی کیشه خاله، 1388: 32) و این فرایند در گلشن راز هم به همین نحو است. در میان 510 فعل غیرتکراری، 70 (%) فعل پیشوندی را می‌یابیم و با لحاظ داشتن تکرار فعل‌ها از 1674 فعل، 87 (%) فعل‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

1.2. کارکرد پیشوندها در فعل‌های پیشوندی

پیشوندهایی که در گلشن راز برای ساخت فعل‌های غیرساده و پیشوندی می‌آید، به تربیت بسامدشان در نمودار فراوانی نشان داده شده است.

پیشوندها در گونه افعال پیشوندی



پیش از این گفتیم که از طرفی برخی از پیشوندها در معنای فعل‌ها را تغییر می‌دهند و برخی نیز تغییری در معنای آن ایجاد نمی‌کنند. از این منظر فعل‌های پیشوندی را بر اساس لغتنامه دهخدا در گلشن راز دسته‌بندی می‌کنیم:

(الف) افعالی که با پیوستن پیشوندها تحول معنایی یافته‌اند: افروختن: شعلهور ساختن / برافروختن: عصبانی شدن / گرفتن: تصاحب کردن، برگرفتن: بلند کردن / گرفتن: تصاحب کردن، باز گرفتن: پس گرفتن / خواندن: قرائت کردن، بازخواندن: دوباره خواندن / خواندن: قرائت، برخواندن: تحصیل کردن / گفتن: صحبت کردن، بازگفتن: تکرار سخن / شدن (شدنا = رفتن)، باز شدن: برگشتن / آمدن: پیش‌رفتن، برآمدن: بالا رفتن / آوردن: به مقصد رساندن، در آوردن: بیرون آوردن / شدن: رفتن، درشدن: داخل شدن / داشتن: مالک چیزی بودن، واداشتن: مجبور کردن / ماندن: توقف و درنگ، واماندن: خستگی و ملول شدن / آشامیدن: نوشیدن، در آشامیدن: به یکباره نوشیدن.

(ب) فعل‌هایی که با وجود پیشوند، تحول معنایی نیافته‌اند: آمیختن = درآمیختن / باختن = درباختن / باریدن = فرباریدن / پیچیدن = فروپیچیدن / رهاندن: وارهاندن / خیزد = برخیزد /

بستن=در بستن/ رسیدن=در رسیدن/ گفتن=برگفتن/ گذشتن=در گذشتن/ ماندن=فرو
ماندن. (ر.ک دهخدا مدخل ذیل افعال ذکر شده)

نکات قابل توجه در این دسته‌بندی، نخست آن است که فعل پیشوندی «فروپیچیدن» در
مدخل دهخدا و سایر مدخل‌ها یافت نشد و دیگر آنکه در گلشن راز، پیشوند «وا» به جای
«باز» در فعل «رهاندن» ترجیح داده شده است.

2.2. تناسب محتوای گلشن راز با ساختمان فعل مرکب:

شادروان بهار در سبک‌شناسی خود معتقد هستند که کثرت فعل‌های مرکب باعث شده
که کارکردهای گونه‌پیشوندی از دست برود؛ اما چنان که می‌بینیم فعل‌های پیشوندی هر
چند به نسبت فعل‌های مرکب کمتر هستند، باز هم با تصویرسازی، تحرّک و پویایی خود در
خدمت محتوای اثرآمده‌اند. مسأله تناسب موضوع و محتوا حتی در فعل‌های پیشوندی هم
مصدق دارد نظیر:

حديث گُنتْ كَنْزًا را فروخوان

(شبستری، 1382: 23)

شاعر در این بیت، عمل قرائت را با فعل پیشوندی آورده است؛ چون خواندن، عملی سطحی
است، مخاطب را دعوت می‌کند که با عمق و تأمل بیشتری این کار را انجام دهد؛ از این
روست که بار معنایی فعل با هدف سراینده انتباط یافته است و در ساختار پیشوندی نمود
پیدا می‌کند و ساختمان آن را تغییر داده است؛ زیرا شاعر برای خواندن این حديث بدون
تأمل دستور و فرمانی نمی‌دهد.

فراغت یافته ز انکار و اقرار

در آشامیده هستی را به یک بار

(همان: 85)

هنگامی که مفاهیم پیچیده‌تر می‌شوند، بر روی انتخاب فعل‌های شاعر نیز تأثیر می‌گذارد.
در «در آشامیدن» هستی را به یک بار، گویی کسی، جام معرفت هستی را بخواهد به یکباره
بنوشد. در مقابل فعل آشامیدن که این عمل را جرمه‌جرعه تصویر می‌کند کاری به نسبت
دشوارتر انجام داده است. از این رو وقفه‌ای را که در آشامیدن در ادای فعل آورده می‌شود؛
از سوی دیگر در این بیت قید «یک بار» آن را جبران می‌کند.

176 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

چو تو بیرون شوی او اندرآید

(همان: 46)

همانطور که پیش از این هم گفته شد، شبستری برای آموزش مفاهیم عرفانی سادگی و پیچیدگی مفهوم را برای مخاطب، در نظر دارد بسته به اینکه مخاطب در چه مرحله‌ای از تعلیم قرار دارد، سطح فکری او را در گزینش افعال برای تأثیر کلام خود محل توجه قرار می‌دهد:

نبودی تو که فعلت برگزیدند

(همان: 59)

در این مثال هم می‌بینیم که پس از یک عمل ساده، عملی به نسبت پیچیده‌تر می‌آید. عدم برای انسان و آفرینش برای خداوند هر دو عملی ساده هستند و اینجا برگزیدن از سوی خداوند با فعلی حرکتی می‌آورد؛ چرا که گوهر انسان بر آن بناست و برای رسدن به این مقصد باید پویا نیز باشد و هدف آفرینش بر آن قرار است. اصل کمال در بودن نیست، در شدن است؛ از این رو است که از عدم به هستی بالا کشیدن را در فعلی حرکتی همچون اصل پویایش بیان می‌کند و ایستایی و رکود با کمال رابطه‌ای معکوس دارند:

برو خانه دل فروروب
مهیا کن مقام و جای محبوب

(همان: 46)

در اینجا تناسب بین اجزاء و محتوای فعل‌ها به خوبی مشهود است. هر سه فعل برو، فروروب و مهیا کن به ترتیب دشواری فعل‌ها در ساختمان ساده (برو) سپس پیشوندی (فروروب) و در نهایت با فعل مركب (مهیا کن) آمده است.

اگر یک لحظه را برگیری از جای

خلل یابد همه عالم سرا پای

(همان: 25)

در نمونه بالا می‌بینیم که فعل پیشوندی برگرفتن، آمده است؛ اما نسبت به نمونه قبلی (فرو رفتن) میزان تحرک بیشتری می‌طلبد و یا در نمونه‌ای دیگر می‌بینیم شاعر به مسئله «غفلت» توجه دارد و متناسب با اجزای کلام، لحن خیزشی‌تری را برای فعلی پویا و پرتحرک (برآور) انتخاب می‌کند و گونه‌پیشوندی با این ساختار هماهنگی بیشتری دارد و پس از آن در مصرع بعدی با آوردن «بنیوش» مخاطب را به گوش سپردنی از بن جان امر می‌کند:

برآور پنبا پندارت از گوش

ندای واحدالقهر بنیوش

(همان: 50)

دقت در انتخاب فعلی که پیشوند آن مفهوم تکرار عملی می‌دهد، مقصود بازبینی و تحول نگرش است:

میان جسم و جان بنگر چه فرق است

که این را غرب گیری و آن چو شرق است

از این جا بازدان احوال و اعمال

به نسبت با علوم قال باحال

(همان: 63)

پس از آنکه افعال ساده «است» در قالب تکرار، برای ذکر تفاوت میان جسم و جان آمده است، تفاوت‌ها را ملموس‌تر سازد. پس از مرتبه شناخت نخست که با فعل «بنگر» آمده است، در مرتبه دوم مخاطب را به بازشناسی دعوت می‌کند و فعل پیشوندی «بازدان» بیانگر این مفهوم است. یا در نمونه‌ای دیگر می‌بینیم که شاعر به مراحل دعوت نیز توجه دارد، شبستری اینکه در چه مرحله‌ای از دعوت و فراخوانی مخاطب قرار دارد، فعل را مناسب با آن انتخاب می‌کند:

حنیفی شو ز قید هر مذاهب

درآ در دیر دین مانند راهب

(همان: 96)

در مرحله نخست دعوت، شبستری از تغییر سخن می‌گوید (حنیفی شدن) که این تغییر را در قالب فعل امر می‌آورد و پس از آن فعل پیشوندی و حرکتی «در آ» با عمق بیشتری بین اجزاء، افعال و مفاهیم تناسب برقرار می‌سازد.

نتیجه‌گیری:

گلشن راز، اثری عرفانی است که بن‌مایه‌های آموزشی و تعلیمی نیز دارد. با بررسی ساختمان انواع فعل، این نتیجه بدست می‌آید که بسامد فعل‌ها در این منظومه بدون درنظرگرفتن تکرار آن‌ها، به ترتیب ساده، مرکب و پیشوندی است که با در نظرگرفتن تکرار باز هم همین ترتیب را حفظ می‌کنند.

در سراسر این منظومه هدفمندی فعل‌ها با نوع ساختمان آن، به چشم می‌خورد. در ادبیات آغازین برخلاف سایر بخش‌ها، فعل‌های مرکب و پیشوندی چشمگیر است که از یک طرف اقتضای بافت کلام است و از طرف دیگر شبستری قدرت کلامی خود را نشان می‌دهد؛ اما

178 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

هنگامی که وارد عرصه تعلیم مفاهیم عرفانی می‌شود، رعایت حال و درک مخاطب را اساس قرار می‌دهد. از این رو شمار فعل‌های ساده رو به فرونی می‌رود. شبستری برای انتقال راحت‌تر مفاهیم، بهویژه هنگامی که به شرح و بسط مطالب می‌پردازد، از ساختمان فعل ساده استفاده می‌کند؛ زیرا انتخاب فعل ساده در گلشن راز، بستری را برای زایایی زبان فراهم می‌کند و از سویی هم با بن‌ماهیه‌های تعلیمی و عرفانی‌اش هم از نظر محتوایی سازگار است. تنوع و گستردگی فعل‌های ساده خود می‌تواند دلیلی برای کهن‌گرایی زبان شبستری در کنار گرایش وی به زبان و واژگان عربی باشد. با وجود غلبه کاربرد واژگان عربی در گلشن راز، شاهد بسامد بالای استفاده از افعال بسیط هستیم که دیدگاه تقلیل افعال بسیط به دلیل غلبه زبان عربی را مردود یا حداقل کم اثر می‌سازد.

سراینده هنگامی که در پی انتقال مفهومی پیچیده باشد، ساختار پیچیده‌تری را انتخاب می‌کند که متناسب با نفس فعل است؛ هر چند تا آنجا که بتواند برای درک مخاطب، به سهولت مقید است. فعل مرکب هم در ظهور خود خود متناسب با محتوا و نفس عملی که فعل دارد، نمود می‌پابد. این دسته از افعال از ترکیب پایه‌های همکرد ساخته می‌شوند و در این میان گاه همکردهای فعلی مؤثر در تحول معنا هستند و گاه تأثیری ندارد و بالاترین بسامد را در همکرد فعلی «کردن» می‌بینیم. گاه علاوه بر علل محتوایی برای استفاده از فعل مرکب، باید دلایل وزنی شعر و ظرفیت ساختن قافیه و ردیف را با پایه و همکردهای آن افزود. پایه‌های فعلی این افعال هم واژگانی فارسی یا عربی‌اند. سراینده در سراسر منظومه خود به واژگان عربی گرایش و تمایل خود را نشان می‌دهد، اما با توجه به هدفمندی ساختمان فعل‌ها، غلبه با فعل بسیط است، سراینده این گرایش خود را در فعل مرکب نمایان می‌سازد به گونه‌ای که 67٪ از پایه‌های فعلی را واژگانی عربی می‌سازند.

فعل پیشوندی نیز حضور خود را با رعایت تناسب محتوایی به گونه‌ای قابل توجه حفظ کرده است. این افعال با ترکیب با پیشوند خود یا دچار تحول معنایی می‌شوند و یا بدون تغییرمعنا ظهور می‌باشند. در این میان «فروپیچیدن» در مدخل‌های دهخدا و سایر مدخل‌ها یافت نشد. از طرفی شبستری هنگامی که بخواهد از عملی سطحی فراترورد و مخاطب را منطبق با هدف خود به تأمل یا تحرک بیشتر وادارد و یا به ساختار فعل پیشوندی روی می‌آورد.

بنابراین در منظومه گلشن راز، سادگی انتقال مفاهیم را گونه فعل‌های ساده، پویایی و تحرک کلام را که ایجادگر انگیزه در مخاطب است، فعل پیشوندی بر عهده دارند و پیچیده‌ترین ساختار فعلی با فعل مرکب که گرایش سراینده به عربی‌دانی را در پی دارد، نمود می‌یابد؛ اما آنچه از مرکز این جریان خارج نیست، تناسب و هماهنگی موضوع و محتوا با ساختمان فعل است که تابع میزان دشواری نفس عملی فعل و درک هدفمند شbstتی برای ارتباط موثر با مخاطب است که روی هم رفته این منظومه را از عرفان نظری به جنبه عملی هم نزدیک می‌سازد. در پایان بحث، برای مقایسه اجمالی، بسامد حضور شکل‌های سه‌گانه ساختمان فعل را در یک جدول نشان می‌دهیم.

فرابانی	فعل ساده	فعل مرکب	فعل پیشوندی
بدون تکرار	%67	%19	%14
با تکرار	%88	%7	%5

کتاب‌نامه

احمدی‌گیوی، حسن. 1380. دستور تاریخی فعل. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات قطره.

خوئینی، عصمت. 1389. «نکته‌هایی درباره فعل مرکب» پژوهش‌های ادب عرفانی. سال سوم، شماره 14. صص 45-58.

دادفر، مجید و حمیدرضا سلمانی. 1390. «بررسی دیدگاه باطنی در مورد فعل ساده و فعل مرکب در زبان فارسی». مطالعات زبانی بлагهی. سال دوم، شماره 4. صص 79-92.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم و مهدی دیان. 1388. «فعل‌های پیشوندی در آثار منشور فارسی از آغاز تا قرن پنجم» نامه فرهنگستان، دوره پنجم، شماره 5. صص 27-50.

شبستری، شیخ محمود. 1382. گلشن راز. تصحیح محمد جاصیان. چاپ دوم. کرمان: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان.

-طباطبایی، علاءالدین. 1376. فعل بسیط و واژه‌سازی. چاپ اول. تهران: نشر دانشگاهی.

-----، -----، 1381. «فعل بسیط و فعل مرکب در زبان فارسی» مجله نشر دانش تابستان. سال نوزدهم، شماره 2 صص 20-34.

عقدایی، تورج. 1389. «جمال‌شناسی گلشن راز» و اسطوره‌شناختی (گوهر گویا). دوره ششم. شماره هجدهم. صص 138-105.

مستقیمی، مهدیه‌السادات. 1386. «تحلیل مسأله معنا در گلشن راز» اندیشه نوین دینی. سال سوم. شماره 11. صص 71-99.

مشکوه الدینی، مهدی. 1391. دستور زبان فارسی. چاپ دهم. مشهد: دانشگاه فردوسی.

نائل خانلری، پرویز. 1372. دستور تاریخی زبان فارسی. به کوشش عفت مستشارنیا. چاپ اول. تهران: توس.

-----، -----، 1377. دستور زبان فارسی. چاپ شانزدهم. تهران: توس.